ازدواج واتساپی زندگی زن جوان را سیاه کرد...!

گروه حوادث – وقتی از طریق فضای مجازی با خواستگارم که در خارج از کشور به سر می برد، دیدار و گفت وگو کردم، او به ایران آمد و با هم ازدواج کردیم اما سرنوشت تلخ من به گونه ای رقم خورد که اکنون ...

زن ۳۰ ساله که برای شکایت از شوهرش به مرکز انتظامی مراجعه کرده بود، با این ادعا که شوهرم فرزند شیرخواره ام را از من جدا کرده و به خارج از کشور برده است، درباره سرگذشت خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری طبرسی شمالی مشهد گفت: اگرچه پدر و مادرم تبعه کشور افغانستان هستند اما من در ایران متولد شدم و تا مقطع دیپلم درس خواندم بعد هم به امور خانه داری مشغول شدم تا این که ۵ سال قبل در مجلس عروسی یکی از بستگانمان، زن جوانی مرا دید و همان جا برای برادرش خواستگاری کرد. او که همشهری پدرم بود مدعی شد برادرش در استرالیا زندگی می کند و چندین کارخانه دارد به همین خاطر هم جوانی ثروتمند و بانفوذ است. این گونه بود که ما برای آشنایی با یکدیگر تماس های واتسایی برقرار کردیم و باهم به گفت وگو نشستیم.

دریکی از همین دیدارهای فضای مجازی، «کریم» ماجرای دوبار ازدواج ناموفق خود را برایم بازگو کرد و گفت هر دو همسرش را به خاطر «خیانت» طلاق داده است و فرزندی هم ندارد. من با شنیدن این ماجرا، تصمیم گرفتم با او ازدواج نکنم ولی مادرم اجازه نداد تا پاسخ منفی به خواستگارم بدهم چرا که در خانه ما «مادرسالاری» حکمفرما بود و هیچ کس نمی توانست با خواسته های مادرم مخالفت کند؛ مادرم تحت تاثیر ثروت و زرق و برق زندگی «کریم» قرار گرفته بود و به ازدواج من اصرار می کرد. بالاخره حدود ۶ ماه بعد «کریم» به ایران آمد و قرار گذاشتیم تا بعد از برگزاری مراسم عقد کنان، من در خانه پدر شوهرم زندگی کنم که او بتواند امور مربوط به اقامت مرا در استرالیا انجام دهد. خلاصه «کریم» چند ماه بعد از ازدواجمان دوباره راهی استرالیا شد و گاهی مبالغی برای مخارج زندگی من به حساب بانکی پدرش واریز می کرد ولی پدرشوهرم به سختی مبلغی به من می داد و مدعی بود که تو در خانه ما زندگی می کنی و هزینه دیگری نداری! از سوی دیگر هم هربار «کریم» با من تماس می گرفت از این که به پدرش رسیدگی نمی کنم مرا به شدت سرزنش می کرد. در این شرایط او در طول یک سال شاید یک ماه به ایران آمد و معتقد بود که باید در استرالیا باشد تا بتواند کارخانجات خودش را مدیریت کند ولی بازهم نه تنها به من نفقه ای نمی داد بلکه هربار مرا به بهانه رسیدگی نکردن به وضعیت پدرش کتک هم می زد! تا این که من پسرم را باردار شدم. «کریم» وقتی ماجرای بارداری مرا شنید در پوست خودش نمی گنجید و سراز پا نمی شناخت.

طولی نکشید که به ایران بازگشت و با مهربانی و محبت با من برخورد می کرد اما همه افکارش غرق در تولد فرزندم بود. با وجود این وقتی «هوشنگ» به دنیا آمد، بازهم از پرداخت مخارج زندگی سرباز می زد و ادعا می کرد پول ها در حساب بانکی پدرش است. در این وضعیت او حتی مرا در کوچه و خیابان هم کتک می زد و از خانه بیرون می انداخت. حتی یک بار مرا به خانه پدرم برد و تهدید کرد که دیگر نباید با او تماس بگیرم!

من هم برای احقاق حق خودم از او شکایت کردم. در همین حال بود که دوباره به نزد من آمد و با چرب زبانی و چاپلوسی و معذرت خواهی، مرا راضی کرد تا به منزل پدرش بازگردم چرا که مدعی بود دلش برای هوشنگ خیلی تنگ شده است! من هم که فریب ابراز ندامت هایش را خورده بودم به خواست مادرم دوباره به منزل پدرشوهرم رفتم ولی ساعتی بعد کریم به بهانه این که قصد دارد هوشنگ را به پارک ببرد او را به آغوش گرفت و از خانه خارج شد اما هرچه انتظار کشیدم به خانه بازنگشت و به تماس هایم نیز پاسخی نداد. روز بعد در حالی از طریق واتساپ با من تماس گرفت که تازه فهمیدم او فرزند شیرخواره ام را با خودش به استرالیا برده است و من فریب چرب زبانی هایش را خورده ام؛ اما ای کاش ...

با توجه به اهمیت این ماجرا، بررسی راهکارهای قانونی و اقدامات کارشناسی در این باره با دستور سرگرد آبکه (رئیس کلانتری طبرسی شمالی مشهد) در دایره مشاوره و مددکاری اجتماعی کلانتری آغاز شد.

نمی‌توانم با شوهر نزول‌خوار زندگی کنم، طلاق می‌خواهم!

گروه حوادث – الناز بعد از ۱۵ سال زندگی مشترک تصمیم به طلاق گرفته است. او شوهرش را متهم به کار خلاف می کند و می گوید تحمل زندگی مشترک با یک خلافکار را ندارد. الناز از زندگی مشترکش می گوید.

***چرا می خواهی طلاق بگیری؟**

از وقتی فهمیدم شوهرم کلاهبرداری می کند، دیگر نمی توانم با او زندگی کنم. دیگر دلم با این مرد صاف نیست.

***وقتی با او ازدواج کردی شغلش چه بود؟**

فکر می کردم مغازه‌دار است و به همین خاطر هم با او ازدواج کردم؛ اما بعد فهمیدم به طور مرتب از مردم کلاهبرداری می کند.

***چرا شوهرت کلاهبردار شد؟**

چون می خواهد به آرزوهای بزرگی که دارد، برسد. برای او مهم نیست مردم با زحمت پول درمی آوردند. پول آنها را می گیرد. سعی می کند با بهره گرفتن‌های زیاد اموالش را بیشتر کند. ما در عرض چند سال خانه لاکچری و ماشین گرانقیمت و ... خریدیم. من فکر می کردم شوهرم با تلاش خودش به اینجا رسیده اما بعد فهمیدم او کلاهبرداری می کند و نزول‌خوار است.

***چطور متوجه شدی؟**

یک پسر ۱۱ ساله است که دچار بیماری سختی شد. ما مدت‌ها در گیر دکتر و بیمارستان بودیم و وضعیت پسرم روز به روز وخیم‌تر می‌شد. یکی از همسایه‌ها به من گفت پول نزول شوهرت این بچه را به این روز انداخته است. من خودم نماز می‌خوانم و خدا ترس هستم. وقتی این حرف را شنیدم انگار سنگی به سرم خورده باشد، گیج شدم. به شوهرم گفتم چرا چنین حرفی به ما زد. او هم گفت چون به ما بدهکار است. این حرف را زد و من بعد فهمیدم شوهرم به او هم نزول داده و خانواده همسایه‌مان را به خاک سیاه نشانده است.

***با شوهرت درباره این موضوع صحبت کردی؟**

بله. به او گفتم یا پولت را پاک می کنی یا از تو طلاق می گیرم. حرفم را جدی نگرفت و من تصمیم به طلاق گرفته‌ام.

***پسرت قرار است پیش چه کسی باشد؟**

چون پسرم بیمار است ما به او چیزی نگفتیم. تصمیم گرفتم به خانه پدرم که خالی است بروم و به پسرم گفتم باید مدتی در قرنطینه باشد. هر وقت دوست داشت پدرش به دیدنش می آید. پسرم هم باور کرده است.

***شوهرت به طلاق راضی است؟**

راضی هم نباشد راهی جلوی پای من نگذاشت که طلاق نگیرم. باید خودم و بچه‌ام را از مرد جدا کنم شاید خدا نظری به ما بکند و پسرم خوب شود.

درخواست پدر و مادر مقتول برای قصاص عروس

گروه حوادث – زن جوانی که متهم است همسرش را با ضربه‌های میله آهنی به سرش به قتل رسانده در حالی در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه می شود که مدعی است شوهرش قصد آزار دخترشان را داشته است.

۸ آبان سال ۱۴۰۱ مأموران پلیس با تماس تلفنی زنی جوان مبنی بر قتل مرموز شوهرش به یک دامداری در منطقه دماوند رفتند.

بررسی‌های اولیه نشان می‌داد مرد ۴۳ ساله با ضربه‌های جسم سخت به سرش جان باخته است.

زن جوان در توضیح ماجرا گفت: من و همسرم با پسر ۱۰ ساله و دختر ۷ ساله‌مان از حدود ۶ ماه قبل در این دامداری مشغول به کار شدیم و در اتاق کناری دامداری زندگی می کنیم. ماشب‌ها شیر گاوها را می دوشیدیم و صبح به مغازه صاحب دامداری می بردیم تا اینکه چند روز قبل صاحب دامداری با همسرم تماس گرفت و گفت شیرهای دوشیده شده را شب به مغازه‌مان بیاور از آنجا که مسیر زیاد بود همسرم مخالفت کرد و گفت صبح شیرها را به دست می رسانم. این موضوع باعث درگیری بین آنها شد.

وی درباره ماجرای قتل نیز گفت: نیمه‌های شب احساس کردم کسی وارد خانه‌مان شد و وقتی چشمم را باز کردم دیدم مردی تنومند بالای سر شوهرم ایستاده و با میله آهنی چند ضربه به سرش زد و بعد هم به سرعت فرار کرد. من فکر می کنم او از طرف صاحب دامداری اجیر شده بود.

در ادامه جسد با دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد و مأموران شناسایی عامل قتل را در دستور کارشان قرار دادند.

مأموران با بررسی دوربین‌های مداربسته و تحقیق از همسایه پی بردند که همسر مقتول واقعیت را نگفته است. بنابراین او را دوباره تحت بازجویی قرار دادند که وی این بار به قتل همسرش اعتراف کرد و در تشریح ماجرا گفت: روز قبل از حادثه داخل حیاط بودم اما وقتی وارد اتاق شدم صحنه عجیبی دیدم احساس کردم شوهرم قصد داشته دخترم را آزار دهد از شدت عصبانیت با مشت ضربه‌ای به صورتش زدم و او هم چند ضربه‌ای به صورتم زد که گیج شدم. چند ساعت بعد وقتی او خوابید با میله آهنی چند ضربه به سرش زدم و دو ساعت بعد هم با پلیس تماس گرفتم.

در ادامه تحقیقات مأموران به سراغ پسر ۱۰ ساله این زوج رفتند.

او به مأموران گفت: پدر و مادرم ابتدا سر بردن شیر به مغازه با هم درگیر شدند. مادرم اصرار داشت پدرم حرف او را گوش کند، اما پدرم می‌خواست شیر را صبح به مغازه ببرد. بعد از این درگیری متوجه شدم پدرم قصد داشته خواهرم را آزار دهد. به همین خاطر مادرم با او درگیر شد و با میله آهنی به سرش کوبید و من شاهد ماجرا بودم.

به این ترتیب با تکمیل تحقیقات، پرونده با صدور کیفرخواست به شعبه ۱۱ دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد تا وی به‌زودی محاکمه شود. این در حالی است که پدر و مادر مقتول به عنوان اولیای دم برای عروسشان درخواست قصاص کرده‌اند.

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ – ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶)
سایت: www.eghtesad-kish.ir

نیازمندی‌ها

استخدام

استخدام نیرو
جهت نگهبانی و خدماتی مجتمع مسکونی
دو نفر آقا با حداکثر ۳۵ سال سن و مدرک تحصیلی دیپلم مورد نیاز است.
(تجربه کاری در این زمینه ارجحیت دارد)
شماره های تماس:
۰۹۳۴۷۶۸۱۲۰۶ ، ۴۴۴۵۴۵۹۱ – ۰۷۶
تماس از ساعت ۰۹:۰۰ الی ۱۲:۳۰
و ۱۷:۰۰ الی ۱۹:۳۰

استخدام منشی عصر ساکن کیش
یک شرکت برای تکمیل نیروهای موردنیاز خود، منشی شیفت عصر استخدام می نماید. متقاضیان با شماره ۰۷۶۴۴۴۲۴۹۹۹ تماس حاصل فرمایند.
ساعت کاری: ۳ تا ۹ شب

استخدام منشی صبح ساکن کیش
یک شرکت برای تکمیل نیروهای موردنیاز خود، منشی شیفت صبح استخدام می نماید. متقاضیان با شماره ۰۷۶۴۴۴۲۴۹۶۹ تماس حاصل فرمایند.
ساعت کاری: ۸ تا ۳/۵

اقتصاد کیش روزنامه ۴۴۴۲۴۹۹۹
با یک تماس مشترک شوید

پیرایشگاه

پیرایش علیرضا
ارائه جدیدترین متد روز
خدمات پوست و مو آقایان
نشانی : جزیره کیش ، فاز A ، پارک مینا ، مجتمع خدماتی پارسیان ، غرفه ۱۵
۰۹۱۲۸۶۳۹۱۷۹ - ۰۹۳۴۷۶۸۳۱۷۹

متقاضی رهن و اجاره

متقاضی رهن و اجاره یک خوابه در نوبنیاد
شماره تماس :
۰۹۳۶۷۹۶۹۴۴۱

اپلیکیشن خدماتی

دوستم
اپلیکیشن خدماتی کیش
غذا، مارکت، خرید، دلیوری و...
www.Dustam.com
۰۹۹۶۶۷۷۳۴۳۷

تعمیرات کولر

تعمیرات کولر – اسپیلت
۰۹۳۹۱۴۹۵۵۱۸ جاسم کریمی
فوری – مطمئن

مفقودی

اصل سند خودروی مینی بوس هیوندای County مدل ۲۰۱۲
به رنگ بژ_روغنی و شماره پلاک ۱۳۴۳۱ و شماره موتور ۰۵۱۹۱۴
به نام شرکت نیلو سیر کیش مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد

مفقودی

اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۷۰۸۵۰/۰۱
به نام محمدحسین مصطفوی مفقود گردیده
و از درجه اعتبار ساقط می باشد

اصل کارت اشتغال به نام نذراله نظری
به شماره گذرنامه p02702796 و شماره پروانه کار ۱۶۵۱۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد

اصل کارت اشتغال به نام رقیب اله تاجیک
به شماره گذرنامه p03804147 و شماره پروانه کار ۲۰۹۳۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد

اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۴۹۹۱۴/۰۱
به نام علیرضا نوربین مفقود گردیده
و از درجه اعتبار ساقط می باشد

صنایع چوب حلاج کیش
کلیه سفارشات MDF، چوبی
دکوراسیون غرفه و منزل
تلفن: ۷۶۹۸۲۵۲۰